

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

عبد اللطيف صديقي للندري

کاروان عشاق

از خود شدم فراری مارا به ما رها کن
دار فنا بقا ساز حاجت مرا روا کن
هر دم ز روی غفلت دار فنا بجویی
آخردمی خدا را خواهش تو از بقا کن
ای پیر در خرابات مارا شراب حقه
با ساغر نوازش درد دلم روا کن
از آن لبان لعلت می میچکد چو هر دم
یک بوسه ده از آن لب این عقده را تو واکن
از عشق آتشینت شعله به سینه آمد
با عشق آتشینت دل را به صد نواکن
افتاده ایم در ره بنما به ماره راست
بر کاروان عشاق همچو جرس صدا کن
تاکی به خواب بودن چون غافلان شب و روز
مهتاب کن نمایان آن چاک سینه واکن
در پیش قد سروش با این رویه سر کن
دست ادب به پیش آرسر را به پیش پاکن
خواهی "لطیف" یک دم، راز درون پرده
از چاک سینه خود راز جهان نماکن